۴۷ روز تا جام جهانی

«کیا» احیا شد

شرق: با اینکه هامبورگ دیشب در هفته سی‌ویکم بوندس‌لیگا در خانه‌اش با نتیجه صفر-۲ به تیم آماده و البته خوش‌اقبال بایرلورکوزن باخت، اما مهدی مهدوی‌کیا بازی خوبی را ارائه کرد، موثر ظاهر شد، نفوذهای خوبی را صورت داد و سانترها و پاس‌های جالبی را نیز صادر کرد و اگر یارانش قدر پاس‌ها و حرکات او را می‌دانستند، هامبورگ این بازی را نمی‌باخت و در مهم‌ترین مقطع فصل از تعقیب بهتر و بیشتر بایرن‌مونیخ پیشاهنگ مسابقات بازنمی‌ماند. البته هامبورگ کلاً بداقبال بود و فرصت‌های خوبی را توسط باربارز و آیلتون و یارولیم از دست داد اما نفوذها و سانترهای مهدوی‌کیا نشان داد او بر بحران اخیر در زندگی خصوصی‌اش فائق آمده و آن ماجرا را هر چه که بود، تا حدی از یاد برده و یک بار دیگر اسبش را برای درخشش در آوردگاه اصلی یعنی جام جهانی ۲۰۰۶ زین کرده است. پس از اتفاقات اخیر تصور می‌شد که شاید مهدوی‌کیا نزول کند و بازی وی کمرنگ شود، اما چه هفته گذشته طی دیدار با دوئیسبورگ و چه دیروز در مقابل لورکوزن مهدوی‌کیا جانانه بازی کرد و اثری از قضایای اخیر را در بازی‌اش هویدا نساخت و به خصوص دیروز جانانه و با تمام قدرت ظاهر شد و به گونه‌ای بازی کرد که همیشه از یکی از بهترین مدافعان راست نفوذی بوندس‌لیگا انتظار آن می‌رفته است. خیال تیم ملی ایران بابت «او» می‌تواند راحت باشد.

داستانی از نکونام

شرق: مصاحبه جواد نکونام ستاره خط هافبک تیم ملی با هفته‌نامه اشپرت بیلد آلمان جذاب و خواندنی است. گفت‌وگویی بلند که اگر دوست دارید متن کامل ترجمه شده آن را بخوانید به بخش ورزشی «فارس‌نیوز» مراجعه کنید. نکونام در این گفت‌وگو از علاقه شدید خود به بوندس‌لیگا گفته است و دلبستگی شخصی‌اش به وردربرمن تیم سبزپوش بوندس‌لیگا. و اما داستانی که شاید هیچ‌کدام از شما نشنیده باشید: «هشت سال داشتم که روزی همراه با مهدی برادر بزرگترم در خانه بودیم. والدینم از او خواسته بودند تا مراقب من شیطان باشد. به همین خاطر در داخل اتاق در حالی که چراغ نفتی کوچکی برای گرم کردن، وجود داشت، مشغول بازی فوتبال شدیم که در یک آن با چراغ برخورد کرده و چراغ واژگون شد. من به محاصره آتش درآمدم و نمی‌توانستم خودم را نجات دهم و دچار سوختگی خیلی شدیدی شدم. پدر و مادرم که به خانه آمدند مرا فوری به بیمارستان رساندند ولی پزشکان با دیدن و معاینه من قطع امید کردند. آنان به پدر و مادرم گفتند که شانس زنده ماندن ندارم . . . خلاصه اینکه جواد زنده ماند تا امروز از شباهت سبک بازی‌اش با بالاک و آرزوهایش که بازی در بهترین تیم‌های بوندس‌لیگا است بگوید.

وحید چهار هفته بعد

شرق: وحید هاشمیان با سختکوشی همیشگی خود را به شرایط ایده‌آل خواهد رساند. شکی نیست که او در جام جهانی سر و مر وگنده حاضر خواهد بود. وحید به ایپنا می‌گوید: در حال حاضر تمرینات فیزیوتراپی را انجام می‌دهم تا هرچه زودتر مصدومیتم برطرف شود. طبق نظر پزشکان مصدومیتم شش هفته طول خواهد کشید که دو هفته آن را سپری کرده‌ام. قصد دارم با اجرای دقیق دستورات پزشکان بدون هیچ مشکلی در زمان معین به زمین مسابقه بازگردم. امیدوارم مراحل بهبودم بدون هیچ مشکلی ادامه پیدا کند تا بتوانم در جام جهانی برای تیم ملی ایران به میدان بروم.

دادکان: هر چه برانکو بگوید

شرق: هر چند که ملت می‌گویند محمد دادکان نقش غیرقابل انکاری در انتخاب نفرات تیم ملی دارد و با گلزنی‌های رضا عنایتی سفارش او را به برانکو می‌کند، اما او در حاشیه روز آخر لیگ فوتبال ایران درباره دعوت از بازیکنان آماده استقلال برای تیم ملی گفت: این موضوع به نظر کادر فنی تیم ملی بستگی دارد اما بی‌تردید در زمان اعلام فهرست اسامی بازیکنان دعوت شده به تیم ملی شاهد حضور بهترین نفرات لیگ در این تیم خواهیم بود.

حریف ایران ۷۶ میلیون دلار می‌ارزد

به گزارش روزنامه لا افریسیون، تیم ملی فوتبال مکزیک یکی از ۳ حریف ایران در گروه چهارم جام جهانی ۲۰۰۶، ۷۶ میلیون دلار می‌ارزد و این ۲/۶ برابر قیمت تیمی است که در سال ۲۰۰۲ از جانب مکزیک به جام جهانی اعزام شده بود. حد متوسط قیمت قراردادهای بازیکنان تیم ملی کنونی مکزیک با تیم‌های باشگاهی شان به ۲/۹ میلیون دلار می‌رسد. سرآمد آنها رافائل مارکز مدافع معروف بارسلونای اسپانیا است که بهای قراردادش به ۱۲ میلیون دلار می‌رسد. نفر دوم فرانسیسکو فونسکا است که پیراهن تیم باشگاهی کروز ازول را به تن می‌کند و قراردادش ۶ میلیون دلار می‌ارزد. نفرات بعدی در لیست گرانقیمت‌ها، عمربراوو مهاجم گوادالاخارا (۵ میلیون) و مدافعانی چون کارلوس سالسیدو از گوادالاخارا و ریکاردو اوسوریو از کروز ازول (هرکدام ۴ میلیون دلار) هستند. جارد بورگتی که در انگلیس برای بولتون بازی می‌کند و عده‌ای او را بهترین مهاجم دهه‌های اخیر مکزیک توصیف می‌کنند، طبق این لیست ۲ میلیون می‌ارزد و لقب ارزان‌ترین بازیکن به کلودیو سوارز مدافع کهنه‌کار می‌رسد که بهای قراردادش با چیواز از نیم میلیون دلار فراتر نمی‌رود.

یک روز بعد از قهرمانی

فشار به مدیران برای حفظ استقلال

صدرا مهرابی

یک روز بعد از قهرمانی و در حالی که «استقلال» همچنان سوژه درجه یکی است، امیر قلعه‌نویی با مصاحبه‌ای که البته جمعه شب در استادیوم آزادی هم در لابه‌لای حرف‌هایش بعد از بازی به چشم می‌خورد، نگاه‌ها را به سمت خود جلب کرد. گفت‌وگویی کوتاه با قلعه‌نویی که از فرط خستگی و البته کمردرد، کل دیروز را در خانه سپری کرد و ترجیح داد مصاحبه با روزنامه‌ها و البته تلویزیون را به امروز موکول کند. «بسیار خسته‌ام و تصور می‌کنم کار من در استقلال به پایان رسیده، چرا که توانستم سرانجام قهرمانی لیگ برتر را برای این تیم به‌دست آورم و در همین جا اعلام می‌کنم که از استقلال می‌روم.» قلعه‌نویی البته در برابر اصرار خبرنگارانی که از او اطلاعات بیشتری درباره جدایی احتمالی‌اش از استقلال می‌خواستند، توضیحی نداد. با این وجود دور و بری‌های استقلال عقیده دارند، موضع قلعه‌نویی، نکته جدیدی نیست و آن‌طور که قبل از پایان لیگ هم گفته بود، برای ادامه کار به دنبال شرایط بهتری است. درگیری او به خاطر مسائل مالی و حاشیه‌هایی که از این ناحیه به ضرر استقلال تمام می‌شد و البته در مقطعی رتق و فتق کارهای مدیریتی باشگاه مثل ارتباط با حامی مالی، از قرار معلوم حسابی نفس سرمربی تیم قهرمان لیگ را گرفته و در این شرایط برای یک فصل آبرومندانه در لیگ قهرمانان آسیا، شاید چاره‌ای جز دست پیش گرفتن نباشد. تاکتیکی که در پایان سال سوم همکاری با استقلال، با جمیع جهات جواب می‌دهد و خواسته‌های قلعه‌نویی را که احتمالاً بیشتر متوجه امکانات نرم‌افزاری باشگاه مثل حفظ ستاره‌های فعلی و خرید چهار پنج مهره اسمی جدید باشد، عملی می‌کند. قریب مدیرعامل استقلال که به‌رغم همه شایعات پیرامونی درباره رفتنش از باشگاه، کم‌کم برای شروع برنامه سه ساله تصویب شده آماده می‌شود، می‌گوید: «قلعه‌نویی از استقلال نمی‌رود. او را نگه می‌داریم.» تمرین دیروز استقلال که برخلاف تصور بدون استقبال طرفداران در زمین شماره دو آزادی برگزار شد، به غیر از قلعه‌نویی، دو غایب بزرگ دیگر داشت، علیرضا نیکبخت و سیاوش اکبرپور. در حالی که نفرات اصلی بازی جمعه مثل عنایتی، فکری، طالب‌لو، منصوریان و جباری بعد از دو سه بار دویدن دور زمین، تمرین را ترک کردند.

عکس: فرهاد کاوه، شرق

استقلال طبق برنامه جدید سازمان لیگ و پس از کنار کشیدن شاهین بوشهر از جام حذفی، جمعه بعدازظهر در ساری میهمان نوژن است. به‌نظر می‌رسد استقلال سوای لیگ برتر، دوست دارد روی گرفتن جام حذفی نیز انرژی بگذارد. قلعه‌نویی می‌گوید: «از خیر جام حذفی نمی‌گذریم. به بازیکنان گفته‌ام جام حذفی را از لیگ جدی‌تر بگیرند.»

استقلال البته غیر از جام حذفی که بدون توجه به شروع تمرینات تیم ملی، شاید تا اوایل خرداد طول بکشد، از همین الان خودش را آماده لیگ قهرمانان می‌کند. کاظمی وزیر رفاه که وزارتخانه متبوعش از لیگ ۸۶-۸۵، بدون کمک شرکت‌های خصوصی، حامی اول استقلال است، می‌گوید: «پشتیبانی لازم را انجام می‌دهیم تا با توجه به قابلیت‌های استقلال و برطرف کردن نقاط ضعف، قهرمانی استقلال را به دست آوریم.» اما قطعاً روزهای سختی در انتظار آنها است. قربانی، نیکبخت، عنایتی و به‌ویژه جباری برای ماندن در استقلال انگیزه بیشتری مثل بالا رفتن رقم دستمزدها می‌خواهند. فصلی که شاید با حضور در جام‌جهانی دست استقلال را در شروع راه تازه در آسیا کمی تا قسمتی خالی کند. فعلاً که بیشتر حواس‌ها به قلعه‌نویی است.

تله سانتانا مربی سابق تیم ملی برزیل درگذشت

بدرود، مرد فوتبال زیبا

وصال روحانی

تله سانتانا که روز گذشته در پی یک بیماری طولانی و عفونت شدید داخلی در بیمارستانی در برزیل درگذشت، مربی تیمی بود که شاید برترین تیم فوتبال جهان در سال ۱۹۸۲ بوده باشد اما آن تیم جام‌جهانی آن سال را نبرد. «برزیل ۱۹۸۲» با امثال زیکو، سوکراتس، ادر، فالکائو، جونیور و تونینیو سره‌زو تیمی فوق‌العاده بود و هر کس را که مقابلش قرار گرفت، با مهارت این هنرمندان و با قاطعیت پشت سر گذاشت، تا این که در مرحله دوم در برابر «ایتالیا»یی که ناگهان پائولو روسی در ترکیب آن تبدیل به یک شهاب بی‌مهار شده بود، کم آورد و با ارتکاب اشتباهات مکرر دفاعی ۲-۳ شکست خورد و بدون آن که فرصتی برای تلافی و بازیابی داشته باشد حذف شد. این یکی از بزرگ‌ترین شگفتی‌های جام‌جهانی طی ۲۵ سال اخیر تلقی شده است و مهم‌تر این که برای مدت‌ها روحیات مردان برزیل را خراب و فوتبال ملی این کشور را سال‌ها تیره و سیاه و آنها را دچار ناامیدی کرد. فقط یک تساوی هم کافی بود تا تیم درخشان آن سال برزیل را راهی مرحله بعدی (نیمه‌نهایی) کند و به همین خاطر انتقادکنندگان از تله سانتانا دائماً می‌پرسیدند که چرا این مربی با علم به این قضیه ترکیبی دفاعی‌تر را در زمین نچیده و به همان روش کاملاً تهاجمی همیشگی روی آورده است.

تیم سال ۱۹۸۶ برزیل هم که بسیاری از عناصر تیم سال ۸۲ این کشور را دربرداشت، تیم درخشانی بود و هرچند نشاط و پویایی تیم ۴ سال پیشتر این کشور را نداشت، اما آن تیم نیز می‌توانست بر بلندای جام‌جهانی بایستد، ولی این بار فرانسه بود که در یکی از زیباترین مسابقات تاریخ جام‌های جهانی برزیل را در یک چهارم نهایی حذف کرد. موارد و اتفاقات فوق سبب شد تیم‌های ملی برزیل در سال‌های بعدی و بهتر بگوییم مربیان این تیم به روش‌هایی بسیار محتاطانه‌تر روی بیاورند و از سبک و روالی سود جویند که از دیرباز به «فوتبال اروپایی» معروف بوده است. فوتبالی که بدون «گرو»یی حمله نمی‌کند و هیچ کارش بدون تضمین نیست. وقتی همین سیستم با رهبری کارلوس آلبرتو پریرا در سال ۹۴ و لوئیس فیلیپه اسکولاری در سال ۲۰۰۲ منجر به کسب دو مقام قهرمانی تازه برای برزیلی‌ها در جام‌های جهانی شد و به فترت طولانی‌ای که بر اثر سیستم‌های «فاقد احتیاط و بیش از حد تهاجمی سانتانا» و نظایر او به وجود آمده بود، پایان بخشیده شد، دلایل دیگری در رد فرضیه‌های کاری سانتانا به دست آمد، اما اگر تصور کنید که او دچار افسوس و بابت کارهایش پشیمان شده بود، اشتباه بزرگی کرده‌اید. برعکس او همیشه به آن چه انجام داده بود و لزوم اجرای تاکتیک‌ها و رویکردهای به شدت تهاجمی اعتقاد داشت و تا آخرین روزهای قبل از مرگش نیز به آن پایبند ماند. او به وضوح و با عبارتی که با عبارات سایر مربیان در این زمینه خاص فرق می‌کرد، می‌گفت: «ترجیح می‌دهم که اگر برنده می‌شویم با یک بازی تهاجمی باشد و اگر می‌بازیم، به خاطر بازی بدمان باشد. این که بد بازی کنیم و برنده شویم، دلخواه من نیست.»

زیکو یکی از شاگردان نامدار سانتانا که حالا مربی تیم ملی ژاپن است، می‌گوید: وی تنها مربی‌ای بود که هرگز از او و سایر شاگردانش نمی‌خواست که برای متوقف کردن حریفان دست به هر کاری بزنند و مرتکب خطا شوند. سانتانا پس از ناکامی در جام ۱۹۸۶ به کار در سطح باشگاهی پرداخت و تیم‌های اتلتیکو مینی‌یرو و فلامینگو را رهبری کرد، اما هیچ‌گاه احساس رضایت نکرد، زیرا فوتبال باشگاهی چیزی نبود که او بپسندد و در آن خشونت، بازی‌های منفی، تحرک ناکافی و بدتر از همه اینها واکنش ضعیف و کند داوران و مقام‌های مسئول را بر همه چیز حاکم می‌دید.

بخشی از گفت‌وگوی بلند شرق با مصطفی دنیزلی

وقت رفتن است

شرق: عصبی‌تر از آن بود که فکرش را می‌کردم، تا رسید به رفقا گفت سری به سایت روزنامه حریت بزنید و خبرهای من و پاس را پرینت بگیرید، معلوم است که دلش در ترکیه است و می‌خواهد بداند در موردش چه می‌گویند. برای همین هم هست که آن‌قدر روی بودن یک مترجم حرفه‌ای ترک‌زبان اصرار می‌کند و حاضر نیست با ترکی استانبولی دست و پا شکسته من یک «مصاحبه رسمی» انجام دهد.

می‌گویم: «چی شد که قهرمان نشدید» . . . چشم‌های غمگین‌اش را می‌دوزد روی پرینت نوشته‌های «حریت» که حالا دستش است و می‌گوید: ما یکی از بهترین‌ها بودیم، آن دو هفته کار را خراب کرد. داغ دلمان تازه می‌شود، این مهمترین سئوال ما است؛ «مصطفی هوجا»! آن دو هفته چطور شد که رفتید ترکیه . . . سکوت و بعد مشخص است که نمی‌خواهد راجع به آن روزها حرف بزند: جام را گذاشتیم توی سینی طلا و دادیم به استقلال. گفتم که عصبی‌تر از آن است که فکرش را می‌کردیم، تکانی می‌خوریم و سعی می‌کنیم یخ فضا را آب کنیم، پاس قشنگ بازی می‌کرد. . . جواب می‌دهد: به جدول نگاه کنید. . . ما به بالایی‌ها نباختیم. . . باخت‌های ما به تیم‌های ته جدول بود. وقت خوبی نیست اما باید بپرسیم. در پاس می‌مانید؟ می‌خندد. فقط ته دنیا می‌شود این طوری خندید. یه مثل انگلیسی هست که می‌گه: It's Time to go حیف است، ناخودآگاه بلند می‌گوییم، یکی‌مان به ترکی که نه، به انگلیسی دست و پا شکسته می‌گوید، تیمی که برای سال بعدش به شما پیشنهاد ندهد. . . او گفت: فعلاً که خبری نیست. . . اما ما توی دلمان دعا کردیم کاش خبری باشد، ترکیه که رفته بودم خیلی‌ها پاس را می‌شناختند یکی دیگر از ما است که آرام حرف می‌زند، با افسوس سر تکان می‌دهد و تایید می‌کند و می‌گوید سعی کردم با پاس نماینده خوبی برای ایران و فوتبال باشم. قبل از مصاحبه و وقتی که داریم به بازی فنرباغچه و گالاتاسرای نگاه می‌کنیم تایید می‌کنیم که او و تیمش نماینده‌های خوبی برای ما بودند و آرزو می‌کنیم کاش آرام‌تر که شد، از شوک قهرمان نشدن که درآمد دیگر تکرار نکند: تایم تو گو!

خداحافظی‌اش را جدی نگیرید

در انتظار چهره تازه امیر

شرق: سه سال طول کشید تا کاپ را در دستان شاگردانش ببیند. سه سال طول کشید تا صدهزار آبی به ورزشگاه بریزند و فریاد بکشند استقلال قهرمان می‌شه. عصبی بود و استرس‌اش را می‌شد از فریادهای شادی‌اش موقع گل زدن پسران آبی تشخیص داد، این فریادها برای قهرمانی نبود برای رسیدن به تمام وعده‌هایی بود که سه سال تمام داده بود و به قول خودش زمین و زمان نمی‌خواست که عملی شوند.

«امیر استقلال» حالا سه سال‌اش تمام شده بود و از استقلال تیم ساخته بود، تیمی که در هر پست یک بازیکن تمام‌عیار داشت و در برخی پست‌ها بیشتر از یکی. برای همین سوت بازی را که زدند، گوشه چشمی به آسمان انداخت و شکری کرد و آرام زمزمه کرد، من نمی‌مانم. بعید است آبی‌ها امیر استقلال را به این راحتی از دست بدهند و شاید باید این «می‌خواهم بروم» را به حساب ناز کردن یک امیر قهرمان گذاشت. هرچی باشد مدت‌ها است از سکوها اسم پورحیدری و حجازی، رقبای متوالی نیمکت داغ استقلال شنیده نمی‌شود، همه چیز همان‌طوری پیش رفته که بدخواهان آبی دلشان نمی‌خواسته، تازه اضافه کنید مرامی و معرفتی بازی کردن آبی‌ها را در روزهای بی‌پولی. . . امیر آبی‌ها کاری را کرد که سلطان قرمزها از پس‌اش برنیامد.

استقلال را در اوج کنار گذاشتن هم دلیل خوبی نمی‌تواند باشد، امیر آن‌قدر جوان هست که آخر توانایی و جاه‌طلبی‌اش لیگ برتر ایران نباشد. استقلال آسیایی شده و همین بهترین انگیزه آدمی مثل او است برای ماندن و ادامه دادن و بالاتر رفتن.

دانش‌آموخته دوره مربیگری لورکوزن، تعریف جدیدی از کاریزمای سنتی مربیان ایرانی ارائه داده و حالا اگر بماند می‌تواند به القابی بزرگتر از کاپلو و به روزی فکر کند که با جام باشگاه‌های آسیا به ایران بیاید، آن روز برای خداحافظی روز دیگری است اما امیر خودش هم می‌داند که دوره سال‌ها پیش‌اش در آلمان برای اینکه استقلال به روز و اروپایی بازی کند کافی نیست. اگر دیدید امیر، مربی بازی‌خوان امروز استقلال ماند اما تیم‌اش را چه در مستطیل سبز، چه در کنارش روی نیمکت به روز کرد و به آنها ستاره‌هایی جدید اضافه کرد، تعجب نکنید. امیر استقلال حالا حالا با رنگ آبی کار دارد.

خبرها

اخراج احتمالی در پرسپولیس

شرق: چند ساعت پس از قهرمانی استقلال، محمدحسن انصاری‌فرد مدیر پرسپولیس باید هواداران را از ناراحتی احتمالی‌ای که یک روز پیش‌تر از باخت قرمزها و صدالبته پیروزی آبی‌ها کشیده‌اند بیرون بیاورد و در این راه چیزی بهتر از یک خبر خوب، مثل استخدام ایمان مبعلی ستاره سال گذشته لیگ فوتبال ایران که امروز عضو تیم الشباب امارات است، نیست. دیروز یکی از دوستان نزدیک مبعلی با تائید این خبر گفت ایمان در صورت رفع مشکلات مالی قطعاً لباس قرمز پرسپولیس را به تن خواهد کرد. دیشب در عین حال شنیده شد انصاریان، رهبری‌فرد، کاویانپور، سیدعباسی، نیک‌نظر و فنایی نیز از پرسپولیس رفتنی هستند.

بکش‌بکش در پیکان‌شهر

شرق: هفته بیستم لیگ دسته یک امروز با حرارت دنبال می‌شود. پیکان- نفت بازی مهم امروز است که یک جنگ تمام‌عیار برای صعود به مرحله پلی‌آف محسوب می‌شود. در حال حاضر نفت ۳۴ و پیکان ۳۲ امتیاز دارند و خودشان را می‌کشند برای صعود. تراکتورسازی هم که برای صعود به توقف‌ها امیدوار است به پیروزی کشت و صنعت در مقابل تیم دوم گروه اول (هما) امیدوار است. تراکتوری‌ها ۳۸ امتیاز دارند و پائین‌تر از پگاه (۴۳) و هما (۴۱) باید بازی امروز مقابل دانشگاه آزاد را ببرند.

میلان در سه امتیازی یووه

شرق: تنها سه هفته به پایان رقابت‌های سری A باقی مانده و اختلاف یووه و میلان در صدر جدول به سه امتیاز کاهش یافته است. پیش از انجام بازی‌های این هفته تصور می‌شد که یووه مقابل لاتزیو مشکل داشته باشد و اتفاقاً همین‌طور هم شد. توماسو روکی مهاجم لاتزیو در اوایل نیمه اول گل برتری را وارد دروازه میزبان کرد. چند دقیقه پس از گل دابو بازیکن لاتزیو از زمین بازی اخراج شد و این فرصت در اختیار یووه قرار گرفت تا گل خورده را جبران کند اما تا دقیقه هشتادوشش، بازی با همان نتیجه یک بر صفر به سود لاتزیو پیش می‌رفت تا اینکه در این دقیقه تره‌زگه گل تساوی یووه را به ثمر رساند تا بازی با تساوی یک بر یک به پایان برسد. اما میلان دیروز در خانه مسینا به میدان رفت و مانند یووه گل اول بازی را دریافت کرد. اسکولی در دقیقه ششم بازی گل مسینا را وارد دروازه مهمان کرد اما میلان نه تنها در دقایق بعدی نتوانست گل خورده را جبران کند بلکه کاکا، نستا و آمبروسینی نیز به علت مصدومیت زمین را ترک کردند تا نگرانی‌های کارلتو برای بازی چهارشنبه مقابل بارسا بیشتر شود. با این حال در دقیقه سی‌وسوم بازی یانکولوفسکی یکی از بازیکنانی که به جای مصدومان میلان به میدان آمده بود بازی را به تساوی کشاند. یک دقیقه قبل از پایان نیمه اول نیز گتوزو میلان را پیش انداخت. نوچرینو بازیکن مسینا هم قبل از پایان نیمه اول از زمین اخراج شد و در نیمه دوم نیز اسکولی و آرونیکا دو بازیکن دیگر مسینا از زمین اخراج شدند و در میان میلانی‌ها نیز سیدورف در آخرین دقیقه بازی اخراج شد. گل سوم میلان را نیز جیلاردینو در دقیقه نود به ثمر رساند. با این پیروزی میلان هفتادونه امتیازی شد و به سه امتیازی یووه رسید، تا سه هفته باقی مانده از حساسیت خاصی برخوردار باشد. هفته آینده میلان میزبان لیورنو است و یووه در زمین سیه‌نا به میدان خواهد رفت. در دیگر بازی‌های مهم دیروز فیورنتینا دو بر یک امپولی را شکست داد، رم مقابل سامپدوریا به تساوی بدون گل رسید و اینتر با چهار گل رجینا را در هم کوبید.

شکست هامبورگ مقابل لورکوزن

شرق: آغاز هفته سی و یکم بوندس‌لیگا با شکست هامبورگ نزدیک‌ترین تعقیب‌کننده بایرن‌مونیخ صدرنشین همراه بود. هامبورگ عصر روز گذشته در زمین خود میزبان لورکوزن بود که در نهایت با نتیجه دو بر صفر مغلوب حریف خود شد. مهدی مهدوی‌کیا بازیکن ایرانی هامبورگ نیز در این بازی نود دقیقه در ترکیب تیم خود حضور داشت. هامبورگ با این شکست تقریباً امید خود را برای رسیدن به بایرن از دست داد. بایرن‌مونیخ که با شصت و نه امتیاز و چهار امتیاز برتری نسبت به هامبورگ در صدر جدول قرار دارد فردا مقابل تیم ته جدولی مایتنس به میدان خواهد رفت و می‌تواند با پیروزی مقابل حریف خود اختلاف خود با هامبورگ را به هفت امتیاز افزایش دهد. سایر نتایج بازی‌های دیروز بوندس‌لیگا به این شرح است: کلن ۳- دوئیسبورگ ۱، بیله‌فلد صفر- ولفسبورگ۱، دورتموند۲- نورنبرگ۱، کایزرسلاترن ۱- هانوفر صفر، گلادباخ ۲- هرتابرلین۲، اشتوتگارت صفر- اینتراخت فرانکفورت ۲.

دردسرهای جدید

شرق: تا فهرست ۲۵ نفره تیم ملی- سه‌شنبه- اعلام شود دل تو دل هیچ‌کس نیست، اما نکته مهم‌تر درگیری بسیاری از بازیکنان دعوت شده با مسابقات مختلف باشگاهی است. از جواد نکونام که درگیر مسابقات باشگاهی امارات است و راینر سوبل سرمربی شارجه علاقه‌ای به آزاد کردن او ندارد گرفته تا آرش برهانی که برانکو مصرانه از او خواسته فعلاً بی‌خیال النصر امارات بشود و با تیم ملی به سوئیس بیاید. ظاهراً در لیست جدید پنج دروازه‌بان به تیم ملی دعوت شده‌اند که البته مشخص است شماره یک کیست!

عکس یادگاری دایی و پوما

شرق: علی دایی کاپیتان تیم ملی اولین بازیکن ایرانی است که پیراهن رسمی تیم ملی ایران در جام‌جهانی را به تن کرد. دایی پیش از مهمانی رسمی پوما که دو پیراهن سفید و سرخ تیم ملی رسماً به رسانه‌ها معرفی می‌شود در دفتر ماهنامه نسیم حضور پیدا کرد و پیراهن تیم ملی را که قبل از معرفی رسمی به این نشریه رسیده بود به تن کرد و چند عکس صفحه اولی انداخت. پوما که اسپانسر تیم ملی در جام‌جهانی نیز هست، با ۱۲ تیم جام‌جهانی قرارداد دارد و از این بابت از تمام تولیدی‌های البسه ورزشی جهان پیش است. پیراهن سفید ایران برخلاف پیراهن جام‌جهانی ۹۸ کاملاً سفید است و نقش و نگارهایی دوخت مانند با همان رنگ دارد. پیراهن قرمز تیم ملی نیز لباس چسبانی است که در آن از خطوط سبز نیز استفاده شده است.